Saba Scientific Journal, Volume 5, Issue 9, 2026, pp. 21-30

پژوهش نامه صبا
Biannual Journal of Saba

The Representation of Ancient Rituals and the Social Functions of the Tree in Ferdowsi's Shahnameh

Fatemeh HajiRahimi [1*]

*1.*Department of Persian Language & Literature, Open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran.(Corresponding Author)*

ARTICLE INFO

Key Words:

Shahnameh,

tree-related rituals,

social structures,

archetype,

Ferdowsi,

ABSTRACT

Ferdowsi's Shahnameh—far more than merely an epic poem recounting battles and reigns—serves as a comprehensive mirror reflecting the ritual systems, mythological beliefs, and social structures of ancient Iran. Within this context, the "tree," as a cultural archetype, is deeply intertwined with concepts of sanctity, life, and wisdom; in the Shahnameh, it transcends mere symbolism to become an active element in social and ritual practices. Given that rituals serve to embody and revitalize human beliefs across the ages, the tradition of holding festive gatherings beneath trees underscores the fact that the tree has long symbolized verdure, freshness, joy, and exuberance. Key tree-related rituals include placing a throne beneath a tree, burying the dead beneath a tree, levying taxes under trees, the magnificent tree-planting ceremony, and the ritual holding of the Barsam. The present study employs a descriptive-analytical approach to examine the significance of these rituals. At the first level, the tree plays a protective role in rites of passage and birth—such as the "votive tree" or the "blessed tree"—thereby ensuring the continuity of the lineage. At the second level, the tree serves as a setting for adjudication and the administration of justice in ancient societies. The findings indicate that tree-related rituals in the Shahnameh are not merely literary embellishments or naturalistic descriptions; rather, they function as mechanisms for maintaining social cohesion, transmitting moral values, and fostering a bond between society and nature within the context of Iran's cultural ecosystem. Indeed, by synthesizing these elements, Ferdowsi not only honors the heritage of ancient Iran but also reinterprets the social issues of his own era through the lens of these archaic beliefs, imbuing them with an epic dimension.

***Corresponding Author:**
Email: *f.hajirahimi@mou.ir*
*ORCID: *0000-0001-6829-7195*

Article Address Published on the Journal Site:
https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12614.html

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF AUTHORS	NATIONALITY OF AUTHOR
9	1	(Iran)

نشریه علمی صبا، دوره ۵، شماره ۹، سال ۱۴۰۵، صفحات ۲۱ تا ۳۰

پژوهش‌نامه صبا
Biannual Journal of Saba

بازنمایی آیین‌های کهن و کارکردهای اجتماعی درخت در شاهنامهٔ فردوسی

فاطمه حاجی رحیمی [۱*]

۱.* استاد گروه زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

اطلاعات مقاله

کلمات کلیدی:

شاهنامه،

آیین‌های درختی،

ساختارهای اجتماعی،

کهن‌الگو،

فردوسی،

چکیده

شاهنامه فردوسی، فراتر از یک منظومه حماسی در باب نبردها و پادشاهی‌ها، آیینه تمام‌نمای نظام‌های آیینی، باورهای اسطوره‌ای و ساختارهای اجتماعی ایران باستان است. در این میان، «درخت» به‌عنوان یک کهن‌الگو در فرهنگ ایرانی، پیوندی عمیق با تقدس، حیات و خرد دارد و در شاهنامه، از ساحت نمادین صرف فراتر رفته و به کنشگری اجتماعی و آیینی بدل می‌شود. از آنجا که برگزاری مراسم آیین تجسّم باورها و معتقدات و زنده کنندهٔ مجموعه باورهای بشر در همهٔ ادوار به شمار می‌رود، می‌توان گفت بر پاداشتن مراسم بزم در زیر درختان گویای این حقیقت است که درخت همواره مظهر و نماد سرسبزی، طراوت، شادکامی و سرخوشی بوده است. از مهم‌ترین آیین‌های مربوط با درخت می‌توان به آیین تخت نهادن در زیر درخت / خاکسپاری مردگان در زیر درخت / خراج گذاشتن در زیر درختان / آیین شکوهمند درختکاری / آیین در دست گرفتن بَرسَم اشاره کرد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی جایگاه این آیین‌ها و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در سطح نخست، درخت در مناسک گذار و تولد (مانند درختِ نذر یا تبرک)، نقشی حفاظتی برای تداوم نسل ایفا می‌کند. در سطح دوم، درخت به‌عنوان فضایی برای داوری و برقراری عدالت در جوامع کهن عمل می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که آیین‌های درختی در شاهنامه، صرفاً تزئینات ادبی یا توصیفات طبیعت‌گرایانه نیستند، بلکه سازوکارهایی برای حفظ همبستگی اجتماعی، انتقال ارزش‌های اخلاقی و پیوند میان جامعه و طبیعت در بستر زیست‌بوم فرهنگی ایران هستند. در واقع، فردوسی با تلفیق این مؤلفه‌ها، ضمن پاسداشت میراث ایران باستان، مسائل اجتماعی عصر خویش را نیز در پرتو این باورهای کهن بازخوانی کرده و به آن‌ها کارکردی حماسی بخشیده است.

* نویسنده مسئول

Email: *f.hajirahimi@mou.ir.*

*ORCID: *0000-0001-6829-7195*

نشانی مقاله در وب سایت:

https://saba.journals.miu.ac.ir/article_12614.html

تعداد منابع	تعداد نویسندگان	ملیت نویسنده
۹	۱	(ایران)

مقدمه

ارزش‌های اجتماعی، آداب و رسوم، سنّت‌ها، اخلاق، قوانین و مقرراتی را شامل می‌گردد که برای تنظیم روابط افراد در جامعه به جهت ادامهٔ حیات اجتماعی که مکلّف به قبول آن شده‌اند، تشکیل می‌شود. تا آنجا که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مسائل و مفاهیم جامعه ارزش‌های حاکم بر جامعه است. این ارزش‌ها، با ادبیّات هر کشوری پیوندی ناگسستنی دارد. ارزش‌های اجتماعی، یکی از مقوله‌هایی است که در ادب فارسی بازتاب گسترده‌ای دارد. از آنجا که ادبیّات آیینه تمام‌نمای جامعه است، لذا می‌طلبد موضوعاتی در آن انعکاس یابد که نشان‌دهندهٔ واقعیّت‌های جامعه باشند.

«فردوسی با ترویج اندیشه‌های اجتماعی و دینی خود، در برابر بسیاری از مسائل عصر و زمانهٔ خویش واکنش نشان داد و ضمن حفظ زبان و تاریخ ایران زمین، گزارش مستندی از مسائل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ادوار پیشین ایران ارائه داد.»(رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۴) در اندیشهٔ ایران‌شهری و فرهنگ اسطوره‌ای ایران، «درخت» همواره فراتر از یک عنصر طبیعی، جایگاهی قدسی و کارکردی اجتماعی در سامان‌بخشی به حیاتِ مدنی داشته است. این پیوندِ عمیق میان انسان، طبیعت و قدرت، در شاهنامه فردوسی به‌عنوان گنجینهٔ حافظهٔ تاریخی ایرانیان، به‌وضوح بازتاب یافته است. فردوسی با تصویرسازی آیین‌های گوناگونِ مرتبط با درخت، نشان می‌دهد که این نمادِ زنده چگونه در بزنگاه‌های اجتماعی ایفای نقش می‌کرده است؛ از آیین‌های شکوهمند درختکاری که نشان از فرّهِ پادشاهی و آبادانی داشت، تا کارکردهای سیاسی و آیینی همچون برپاداشتنِ تخت‌های شاهی در زیر سایه‌سار درختان، قرار دادنِ خراج و نذورات در پناهِ آن‌ها، و حتی خاکسپاری قهرمانان در جوارِ درختان کهن. این پژوهش بر آن است تا با واکاوی این آیین‌های درختی، چگونگی بازتابِ نظامِ اجتماعی و پیوندِ میان زیست‌بوم و ساختارهای قدرت را در متن حماسی شاهنامه تحلیل نماید.

۱. هدف و ضرورت انجام پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بازشناسی، طبقه‌بندی و تبیین کارکردهای اجتماعی و نمادینِ آیین‌های درختی در شاهنامه فردوسی است. این تحقیق بر آن است تا نشان دهد چگونه مفاهیمی همچون «تخت‌نهادن زیر درخت»، «تدفین در سایه‌سار درختان»، «تعهدات مالی (خراج) در پناه درخت» و «مناسک درختکاری»، در ساختار روایی شاهنامه نه تنها عناصری تزئینی نیستند، بلکه مؤلفه‌هایی بنیادین در پیوند میان نهاد پادشاهی، باورهای اسطوره‌ای و سامان اجتماعی ایران باستان محسوب می‌شوند. تبیینِ این پیوند و کشفِ دلالت‌های جامعه‌شناختیِ این آیین‌ها در بستر زیست‌بوم فرهنگی ایران، محور اصلی این مطالعه است.

اگرچه در پژوهش‌های حماسی، به کهن‌الگوها و اسطوره‌های گیاهی اشاراتی گذرا شده است، اما کمتر پژوهشی به‌طور اختصاصی به «کارکرد اجتماعی و سیاسی» درخت در شاهنامه پرداخته است. این مطالعه خلأ موجود در تحلیل‌های جامعه‌شناختیِ حماسه را با تمرکز بر آیین‌های عملیاتی (مانند مدیریت خراج یا آیین‌های حکومتی) پر می‌کند.

شاهنامه تنها تاریخ پادشاهان نیست، بلکه سندی از «فرهنگِ زیستن» ایرانیان است. ضرورت دارد که از دیدگاه مطالعات میان‌رشته‌ای (ادبیات، جامعه‌شناسی و تاریخ فرهنگ)، نحوه تعامل قهرمانان شاهنامه با طبیعت (به‌عنوان نمادِ پایداری و عدالت) بررسی شود تا مشخص گردد چگونه فردوسی از نمادهای طبیعی برای نهادینه‌کردن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی استفاده کرده است. شناخت دقیقِ این آیین‌ها، به درکِ عمیق‌تر از نظام‌های حقوقی و آیینی ایران باستان کمک می‌کند. این پژوهش از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد چگونه آیین‌های درختی، به عنوان ابزاری برای حفظ همبستگی ملی و انتقال هویت از نسل‌های کهن به دوران اسلامی عمل کرده‌اند.

۲. پیشینهٔ پژوهش

بررسی و تحلیلِ شاهنامه فردوسی به‌عنوان متن بنیادین فرهنگ ایران، همواره در کانون توجه محققان حوزه‌های ادبیات، اسطوره‌شناسی و تاریخ قرار داشته است. مطالعاتی که تاکنون دربارهٔ «طبیعت» و «عناصر طبیعی» در شاهنامه صورت گرفته، عمدتاً در سه جریان اصلی قابل دسته‌بندی است:

۲-۱. رویکردهای اسطوره‌شناختی و نمادین: بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها، درخت را صرفاً از منظر نمادین بررسی کرده‌اند. این دسته از پژوهش‌ها (مانند مطالعات در باب کهن‌الگوهای گیاهی یا جایگاه درخت در اسطوره‌های هند و ایرانی) بیشتر بر دلالت‌های معنایی درخت به‌عنوان نمادِ حیات، خرد یا عمرِ جاویدان تمرکز داشته‌اند. در این متون، درخت به مثابه عنصری قدسی و انتزاعی بررسی شده و کمتر به کنش‌های اجتماعی و کارکردهای عملیاتی آن در متن پرداخته شده است.

۲-۲. رویکردهای جامعه‌شناختی و سیاسی: جریان دوم شامل تحقیقاتی است که به ساختارهای قدرت، نظام‌های سیاسی و آیین‌های حکومتی در شاهنامه پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها به جایگاه تخت‌نشینی، جمع‌آوری خراج یا آیین‌های سوگواری در متون کهن توجه داشته‌اند، اما معمولاً این آیین‌ها را در بستری تاریخی و سیاسی بررسی کرده و از بررسیِ «محیطِ پیرامونی» و پیوندِ ناگسستنیِ این آیین‌ها با نمادهای طبیعی (به‌ویژه درخت) غفلت ورزیده‌اند.

۳-۲.مطالعاتِ پراکنده در بابِ طبیعت و ادبیات: در برخی پژوهش‌های اخیر، اشاراتی گذرا به درختکاری‌های پادشاهان (به‌ویژه در دوران فریدون) یا تصویرسازی‌های طبیعت‌گرایانه در توصیفات فردوسی شده است، اما این اشارات غالباً ذیلِ مباحثِ توصیفی یا زیبایی‌شناختی جای گرفته‌اند.

۲. بحث و بررسی

ارزش‌های اجتماعی، که از فطرت و نهاد انسانی برخاسته‌اند، فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهند. همین ارزش‌ها، سبب پیشرفت جوامع می‌گردند. شاهنامهٔ فردوسی هرگز مختص و منحصر به یک موضوع خاص نیست و درونمایه‌های سیاسی و اجتماعی با آن درآمیخته است. اثری است که برای پاسداشت هویّت تاریخی ایران سروده شده است و فردوسی چون بنیان‌های معرفتی جامعهٔ عصر خویش را در خطر می‌دید، با رویکردی متعهدانه داستان‌های شاهنامه را با پیام‌های دینی، اجتماعی و سیاسی همراه می‌ساخت و در پوستهٔ زیرین داستان‌ها، بسیاری از مسائل اجتماعی زمان خود را آشکار می‌کرد.

۲-۱. جایگاه آیین‌ها و مسائل اجتماعی در شاهنامه

فردوسی به‌طور دقیق و شاید ناخواسته به موضوع جامعه و پدیدآمدن زندگی اجتماعی توجه نمود و بسیاری از مفاهیم جامعه‌شناختی مانند جامعه پذیری، تقسیم کار اجتماعی، نهاد خانواده، خشونت، تحوّل، آداب و رسم و تغییرات اجتماعی و... را به تصویر کشید و گام به گام پدید آمدن‌شان را در جامعهٔ بشری یادآور گشته است. «در این اثر، سیر تمدّن بشر و پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی نیز از آغاز آفرینش گام به گام سروده شده و گویا شاعر بلندآوازه خود جامعه‌شناسی زبده است که این چنین مفاهیم را درک کرده و در کلام جادویی خویش به نظم کشیده است، تاریخ را با مفاهیم اجتماعی-جامعه‌شناختی در هم آمیخته و آن را در هم‌گذاری در قالب شعر بازنمایی کرده است.» (بذرافکن و روحانی، ۱۳۸۹: ۲۱)

فردوسی با هدف احیای فرهنگ ایران باستان، به ارزش‌های اجتماعی پرداخته است. در شاهنامه اوضاع اجتماعی کهن از وضع روستاها و شهرها منعکس شده که جهت استحکام جامعه نیاز است؛ مهم‌ترین این آیین‌ها و مسائل اجتماعی عبارتند از:

آیین‌های درختی، پیشه‌ها، طبقات اجتماعی، آداب غذا خوردن، آیین نوشیدن سوگند، آداب باده‌گساری، اجرای نمایش، تذهیب‌نامه، تعارف و احوال‌پرسی، نشانه‌های ادب و عذرخواهی، مشغولیات (شطرنج، تخته نرد، فال زدن)، آیین گردش و شکار، چامه‌خوانی، آیین ازدواج، آیین سوگواری، وصیت، خواب (رؤیا)، بایستگی رهنمون در موفقیت پهلوان، سپردهٔ بلند مدّت، نذر و قربانی، روزهای نحس و شوم، هدیه و بخشش، نامه نگاری، رشوه، آیین ضیافت و میهمان‌نوازی، آذین بندی شهر به هنگام ورود بزرگان که در مجموع این اثر را به برجسته‌ترین کتاب فرهنگ اصیل ایرانی بدل کرده است.

۳. آیین‌های درختی

«فردوسی برای بیان اندیشه‌های دینی-ملّی اصیل خویش از مضامین گوناگونی بهره برده است و در این میان یکی از زنده‌ترین، سرسبزترین و زیباترین دست‌افزارها و مضامین رمزی که می‌توانسته وی را به اهدافش برساند مضمون «درخت» بوده است. او در بازتاب آگاهانهٔ ارزش‌های فرهنگی، درخت رسالت خود را به بهترین نحو به انجام رسانیده است.» (اشراقی، ۱۳۵۴: ۳۷)

«از آنجا که برگزاری مراسم آیین تجسّم باورها و معتقدات و زنده کنندهٔ مجموعه باورهای بشر در همهٔ ادوار به شمار می‌رود، می‌توان گفت بر پاداشتن مراسم بزم در زیر درختان گویای این حقیقت است که درخت همواره مظهر و نماد سرسبزی، طراوت، شادکامی و سرخوشی بوده است.» (اخیانی، ۱۳۸۸: ۹۰) از مهم‌ترین آیین‌های مربوط با درخت می‌توان به (آیین تخت نهادن در زیر درخت / خاکسپاری مردگان در زیر درخت / خراج گذاشتن در زیر درختان / آیین شکوهمند درختکاری / آیین در دست گرفتن بَرسَم) اشاره کرد.

۱-۳. آیین تخت نهادن در زیر درخت

آیین تخت نهادن در زیر درخت از آیین‌های رایج شاهنامه است. بسیاری از بزم‌های شاهنامه در زیر درختان گشن برگ و گل‌افشان در باغ‌هایی برگزار می‌شود که از فراوانی درخت جایی برای تخت شهریار نمی‌ماند: (کزازی، ۱۳۸۷: ۱۱۱)

به باغ بزرگ اندر از بس درخت // نبد شاه را بر چمن جای تخت (فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۹۰۴)

یکی از صحنه‌های پر رمز و راز این آیین را در داستان باربد رامشگر و تخت طاقدیس خسرو پرویز می‌توان دید. در این داستان خسرو پرویز که بر آن تصویر مهر و ماه و ناهید را نقش کرده‌اند در زیر درختان باغ نهاده می‌شود و باربد، بربط به دست، در حالی‌که لباس سبز پوشیده است در میان درخت سرو گشن برگ نغز داستانی می‌زند و نغمهٔ سبز در سبز می‌خواند. او چنان در میان شاخه‌های درخت پنهان می‌گردد و با آن یکی می‌گردد که شنوندگان درخت سرو را رامشگر می‌پندارند. این داستان با پایین آمدن باربد از درخت سرو پایان می‌یابد و باربد، شاه رامشگران می‌شود:

کنون داستان‌گوی در داستان — از آن یکدل و یکزبان راستان
ز تختی که خوانی ورا طاقدیس — که بنهاد پرویز در اسپریس...
یکی جامه افکنده بد زربفت — برش بود بالاش پنجاه و هفت
بر او کرده پیدا نشان سپهر — ز بهرام و کیوان و هرمزد و مهر
ز ناهید و تیر و ز گردنده ماه — پدیدار کرده بد و نیک شاه
بر آن جامه بر مجلس آراستند — نوازندهٔ رود و می خواستند
همه جامه‌ها باربد سبز کرد — همان بربط و رود ننگ و نبرد

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج۹: ۲۸۷۷)

۲-۳. آیین خاک‌سپاری مردگان در زیر درخت

علاوه‌بر آیین تخت نهادن در زیر درخت، آیین‌های خاک‌سپاری مردگان در زیر درخت، خراج گذاشتن در زیر درختان و آیین شکوهمند درختکاری به شکرانهٔ برآورده شدن حاجات را نیز در شاهنامه می‌توان دید. اسفندیار برادر خود، فرشیدورد را در حالی‌که او را بر اسب بسته است، بالای کوه می‌آورد تا دفن کند:

همی گفت کاکنون چه سازم تو را — یکی دخمه چون برفرازم تو را
نه جای درختی چنان سایه دار — که خوابانمت ای گو نامدار

(همان، ج۶: ۱۷۲)

پیکر رستم را نیز در باغ دفن می‌کنند و دخمه‌ای بلند بر روی آن ساخته می‌شود که سر به ابر بر می‌کشد:

به باغ اندرون دخمه ای ساختند — سرش را به ابر اندر افراختند

(همان، ج۶: ۱۴۲)

برگزاری آیین دفن مردگان در زیر درختان نشانهٔ اعتقاد به زندگی پس از مرگ و رستاخیز است.

۳-۳. آیین خراج نهادن بر درختان

آیین خراج نهادن بر درختان بارور و میوه دار نیز نشانهٔ دیگری از ارزش‌های فرهنگی درخت است:

گزیت رز بارور شش درم — به خرماستان بر همین زد رقم...
نهادیم روی زمین را خراج — درخت و گزیت از پی تخت و تاج
ز زیتون و از گز و از میوه‌دار — که هر مهرگان شاخ بودی به بار

(همان، ج۸: ۲۳۱۵)

۴-۳. آیین شکوهمند درختکاری

از آیین‌های شگفت دیگر در شاهنامه می‌توان به آیین درختکاری به شکرانهٔ برآوردن شدن حاجات اشاره کرد. شکرگزاری به درگاه خداوند جلوه‌ای بارز و شکوهمند دارد. در راز و نیازی که اسفندیار با آفرینندهٔ کامکار دارد از او می‌خواهد تا در نبرد با ارجاسب تورانی پیروز شود و آنگاه به شکرانهٔ پیروزی صد آتشکده بر پا کند؛ ده هزار چاه آب بسازد و درخت بنشاند:

به گیتی صد آتشکده نو کنم — جهان از ستمکاره بی خو کنم
کنم چاه آب اندر او ده هزار — نشانم درخت از بر کوهسار

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج۶: ۱۵۷۱)

فردوسی با ذکر آیین درختکاری و نذر کاشتن آن و با نشاندن درخت در کنار آب و آتش راه خیال را به دنیای باورهای عامیانه می‌گشاید و یکبار دیگر ارزش فرهنگی را آشکار می‌سازد.

۵-۳. آیین در دست گرفتن بَرسَم

یکی دیگر از مراسم و آیین‌های درختی که در شاهنامه از شکوه و ویژگی خاص برخوردار است، آیین در دست گرفتن بَرسَم است. «برسم در آیین زردشتی عبارت است از شاخه‌های باریک و بریده از درختان مقدّس گز، انار و گاه زیتون و انجیر که ضمن خواندن اوراد و ادعیّهٔ خاص با کاردی به نام بَرسَم چین بریده می‌شد و در مراسم مزدیسنا از اسباب ستایش به شمار می‌رفت» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۹):

یکی دین دهقان آتش پرست // که بی باژ برسم نگیرد به دست (فردوسی، ۱۳۸۶، ج۷: ۱۸۲۰)

در مراسم نوروز، بیست و یک شاخه برسم را بر سر خوان نوروزی در ماهروی (برسمدان) که تیغهٔ آن به شکل ماه بود، جای می‌دادند. برسم نماد برکت گیاهی و کشاورزی محسوب می‌شد و آن را بر سر سفرهٔ غذا هم می‌نهادند:

نهادند خوان پیش آتش پرست // گرفتند پس باژ و برسم به دست (همان، ج۸: ۲۵۱ و ۲۰۴)

دسته‌ای از آن را پیش از خوردن غذا به دست می‌گرفتند و آفرین می‌خواندند. همچنین قبل از شستن بدن و قبل از عبادت و خواندن نسک‌های اوستا آن را به دست می‌گرفته‌اند. امروز نیز در مراسم زردشتیان شاخه‌های برسم را دست به دست می‌گردانند:

ز دستور پاکیزه برسم بجست // دو رخ را به آب دو دیده بشست (همان، ج۸: ۲۳۹)

در شاهنامه مکرّر از برسم گرفتن شاهان قبل از غذا خوردن و دعا و عبادات به منظور سپاس نعمت سخن رفته است:

برفتند با باژ و برسم به دست // نیایش کنان پیش آتش پرست (همان، ج۷: ۲۰۵ و ۹۳۵)

چو برسم بگیرد جهاندار شاه // خورش‌ها ببین تا چه آرد به راه (همان، ج۸: ۲۹۴ و ۲۹۵)

درخت گز مقدّس در باور ایرانیان و در اسطوره‌های مصر نماد برکت و باروری است و از شاخه‌های آن برسم می‌سازند. در آیین‌های مذهب آن را به نشانهٔ سپاس از نعمت به دست می‌گیرند و یکی از سرافرازترین درختانی است که از سویهٔ مینوی بودن در شاهنامه برخوردار است. این درخت از دیرباز در نزد ایرانیان و از جمله زردشتیان، مقدّس بوده و حتّی آن را می‌پرستیده‌اند: (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۲۴)

ابر چشم او راست کن هر دو دست // چنان چون بود مردم گز پرست (همان، ج۶: ۱۷۷)

این درخت سخت و مقاوم، پر دوام، سبز و درپای که برخی آن را از نوع سرو و کاج دانسته‌اند، در آیین مهرپرستی مورد احترام و تقدیس بوده است و در تصویری که از ناهید ترسیم می‌کنند شاخه‌های برسَم گزین در دست دارد. «در مصر قدیم نیز از درختان مقدّس اوزیریس، پروردگار باروری و نعمت،

به شمار می‌رفته و دارای خاصیّتی مرموز بوده است. درخت گز شاهنامه ستبر، پروردهٔ آب رز و سر بر کشیده بر هواست و مرغ فرمانروا بر آن آشیان دارد» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۲۵):

بدو گفت سیمرغ کز راه مهر — بگویم همی با تو راز سپهر
چو بشنید رستم میان را ببست — وزان جایگه رخش را بر نشست
همی راند تا پیش دریا رسید — ز سیمرغ روی هوا تیره دید
چو آمد به نزدیک دریا فراز — فرود آمد آن مرغ گردنفراز
گزی دید بر خاک سر بر هوا — نشست از برش مرغ فرمانروا
بدو گفت شاخی گزین راستتر — سرش برتر و تنش برکاستتر
بدین گز بود هوش اسفندیار — تو این چوب را خوار مایه مدار
به آتش بر این چوب را راست کن — همی نغز پیکان نگه کن کهن

(همان، ج۶: ۱۰۶)

شاخه‌های همین درخت است که اسفندیار رویین تن را از پای درمی آورد و او را به افسانه و اسطوره می‌پیوندد. بنابراین درختی خوارمایه نیست:

همانا کز این بد نشانه منم // وز این تیر گز با فسانه منم (همان: ۷۱۵)

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که «درخت» در بافتارِ اجتماعیِ شاهنامه، فراتر از یک توصیفِ طبیعت‌گرایانه، عنصری پویا و نقش‌آفرین در سامان‌بخشی به مناسباتِ مدنی و سیاسی است. بررسیِ دلالت‌های آیین‌های درختی بیانگر آن است که فردوسی با ترسیمِ پیوندی وثیق میان «طبیعت» و «جامعه» جهانی را بازنمایی کرده است که در آن آیین‌های درختی، سازوکاری برای تداوم هویت و مشروعیت‌بخشی به کنش‌های انسانی بوده‌اند.

این مطالعه تبیین کرد که آیین‌های مرتبط با درخت در شاهنامه در چهار ساحتِ کلان اجتماعی بازخوانی می‌شوند:

نخست، در «آیین تخت نهادن زیر درخت»، درخت به‌مثابه‌ی سایه‌ساری امن و نمادی از مشروعیتِ شاهانه عمل می‌کند که پیوندِ پادشاه با برکتِ زمین را تداوم می‌بخشد. دوم، در «آیین خراج‌گذاری زیر درختان»، شاهدِ تقدیسِ ثروت و اقتصاد هستیم؛ جایی که قرار دادنِ خراج در پناه درخت، نشان‌دهنده‌ی این باور است که داراییِ عمومی برخاسته از خیر و برکتِ طبیعت است و باید در فضایی قدسی و شفافِ (زیر سایه‌ی درخت) مدیریت شود. سوم، در «آیین خاکسپاری زیر درختان»، درخت نقشِ «یادمانِ

جاودان» را ایفا می‌کند؛ جایی که پهلوان با دفن شدن در پای درخت، پیوندی ابدی با خاکِ وطن برقرار کرده و مرگِ او به زایشی نو در کالبدِ طبیعت تبدیل می‌شود. چهارم، در «آیین شکوهمند درختکاری»، درخت به مثابهٔ کنشی تمدن‌ساز مطرح است که نشان‌دهنده کمالِ پادشاهِ دادگر است؛ پادشاهی که با کاشتنِ نهال، نه‌تنها زیست‌بوم را آباد می‌کند، بلکه میراثی برای نسل‌های آینده بر جای می‌گذارد.

در مجموع، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که آیین‌های درختی در شاهنامه، ستون‌هایِ اخلاقِ اجتماعی و مدنیِ ایرانیانِ باستان بوده است. فردوسی با بازتابِ این آیین‌ها، نشان می‌دهد که امنیت، عدالت و آبادانی در جامعه‌ی حماسی، نه در گسست از طبیعت، بلکه در همنشینی با آن شکل می‌گیرد. در واقع، شاهنامه با برجسته کردن این آیین‌ها، یادآوری می‌کند که «انسانِ تمدن‌ساز» کسی است که به ریشه‌ها (به معنایِ حقیقی و نمادینِ آن) احترام می‌گذارد. این آیین‌ها، در نهایت، به مثابه‌ی یک «قراردادِ اجتماعیِ نانوشته» عمل می‌کردند که پیوند میانِ فرد، جامعه، حاکمیت و زیست‌بوم را تضمین می‌نمودند و از همین رو، بازخوانیِ آن‌ها برای درکِ ژرفایِ فرهنگِ ایرانشهری، ضرورتی انکارناپذیر است.

فهرست منابع

اخیانی، جمیله (۱۳۸۸)، بزم سازی در منظومه‌های داستانی تا پایان قرن ششم، تهران: سخن.

اشراقی، احسان (۱۳۵۴)، «شاهنامه از دیدگاه وحدت ملّی»، هنر و مردم، ش ۸۵، صص ۸۵-۷۴.

بذرافکن، حمیرا و روحانی، علی (۱۳۸۹)، «بازنمایی اجتماعی در شاهنامهٔ فردوسی) بررسی سیر شکل‌گیری دگرگونی جامعهٔ ایرانی در شاهنامهٔ فردوسی«(، فصلنامهٔ مطالعات ملّی، ش ۱۱، صص ۴۹-۷۲.

پورخالقی چترودی، مهدخت (۱۳۸۷)، درخت شاهنامه) ارزش‌های فرهنگی و نمادین درخت در شاهنامه(، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶)، یادداشت‌های شاهنامه، تهران: مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.

رزمجو، حسین (۱۳۸۱)، قلمروی ادبیات حماسی، ج ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.

کزازی، جلال الدین (۱۳۸۷)، شاهنامه؛ نامهٔ فرهنگ و منش ایرانی، اسطوره متن هویّت‌ساز، تهران: علمی.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.